

بررسی و ارزیابی برنامه‌های سرای محله (مطالعه موردی: سرای محله درب دوم، منطقه ۳ شهرداری تهران)

ژیلا سجادی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
سعید ضرغامی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
پرویز آقایی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
حسن محمدیان مصمم - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱

وصول: ۱۳۹۲/۸/۷

چکیده

پیچیدگی فزاینده شهرها و آهنگ شتابان رشد شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در کنار شکست رویکردهای تمرکزگرایانه، غیر مشارکتی مدیریت شهری، منجر به رویکردهای مشارکتی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و ظهور پارادایم حکمروایی در شهرها شده است. در این میان، در دهه‌های اخیر در کلانشهر تهران نیز با توجه به مشکلات متعدّد بحث مشارکت شهروندان و دولت‌های محلی مورد توجه ویژه‌ای واقع شده است. توسعه شورایی‌ها در این کلانشهر تجلی فضایی چنین تحولاتی است. شورایی‌ها به‌عنوان نهادی مردمی، برنامه‌های مختلفی را برای جذب مشارکت حداکثری مردم و تسهیل و بهبود برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری‌ها انجام می‌دهد. در این میان سرای محله درب دوم با برگزاری برنامه‌های فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و غیره بر آنست تا زمینه را برای مشارکت مردم فراهم سازد. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نموده و با توزیع ۳۶۰ پرسشنامه در سطح محله درب دوم، مشارکت مردم و میزان مشارکت و رضایت از برنامه‌های سرای محله را مورد ارزیابی قرار داده و اطلاعات را با واردکردن در نرم‌افزار Minitab و به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ابتدا میزان مشارکت مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج حاکی از آنست که میزان مشارکت اقتصادی در پایین‌ترین سطح با میانگین ۱/۸۱ قرار دارد و مشارکت در بعد مشورتی با میانگین ۴/۱۶ بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در نهایت با استفاده از آزمون پیرسون، همبستگی میان متغیرهای پژوهش (برنامه‌های سرای محله و میزان رضایت) مورد بررسی قرار داده که نشان‌دهنده همبستگی نسبتاً بالا بین متغیرها بود که بیشترین همبستگی بین رضایت و برنامه‌های فرهنگی با مقدار ۰/۸۸۷ و کمترین همبستگی با برنامه‌های ورزشی با مقدار ۰/۷۱۶ است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان در سطح متوسطی قرار دارد و با توجه به تمایل ساکنان محله به مشارکت، می‌توان آن را ارتقاء داد.

واژگان کلیدی: سرای محله، مشارکت شهروندی، شورایی، محله درب دوم.

مقدمه

در طی چند دهه گذشته، پیچیدگی فزاینده شهرها و آهنگ شتابان رشد شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، شهرها و مدیریت شهرها را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه ساخته و تجارب جهانی نشان داده است که این فرایندها، اغلب فراتر از ظرفیت حکمرانی و هدایت به واسطه رویکردهای تمرکزگرایانه، غیر مشارکتی و بالا به پایین مدیریت شهری است. تلاش‌های محلی و جهانی برای مواجهه با این چالش‌ها با چندین تغییر پارادایم در گفتمان توسعه، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری همراه بوده که این تغییرات واکنشی است به فرایندهای عظیم‌تر همچون جهانی‌شدن و یکپارچگی آنها با گفتمان‌های گسترده‌تر در حوزه برنامه‌ریزی شهری، از جمله گنجاندن رویکردهای پایداری در توسعه شهری است (یان^۱، ۲۰۰۹). برآیند چنین تحولاتی، ترویج رویکردهای حکمروایی شبکه محور^۲ به جای مدل حکومت سلسله مراتبی است که موجب شده از دهه ۱۹۸۰، رویکردهای مشارکتی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و پارادایم حکمروایی در شهرهای جهان شمال و جنوب مطرح گردد. به بیانی، در زمینه مدیریت شهری به رسمیت شناخته شده است که دولت در شراکت با جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌تواند نقشی عظیم در صلح و آزادی بیشتر، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار شهرها ایفا نماید. پیامد چنین دگرگونی‌ها و تحولات بینشی در ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تمرکززدایی روزافزون قدرت و شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای گوناگون غیردولتی به‌ویژه در سطوح محلی است زیرا مدیریت در سطح محله، حلقه پیوند شهروندان و مدیریت شهری است و مدیریت در این سطح است که بسترگشای همیاری تمامی کنشگران شده و فرهنگ‌سازی اداره مردم‌سالارانه تحقق می‌یابد (صرافی، ۱۳۸۳: ۴). تجارب جهانی به وضوح از موفقیت‌آمیز بودن تجربه گذار از رابطه آمرانه و تنظیمی به رویکردها نوین ذکر شده نشان دارد به گونه‌ای که تمرکززدایی قدرت و منابع به دولت‌های محلی و رشد ظرفیت و ثبات سازمان‌های غیردولتی در سطح محله، موجب ارتقای توانایی ساکنان محله در کنترل و مدیریت مکان زندگی آنها، ظرفیت‌سازی، افزایش تحقق‌پذیری طرح و پروژه‌ها، ارتقای آگاهی‌ها و احساس تعلق و اعتماد، ظهور خلاقیت‌ها شهروندان و به طور کلی بهبود زیست‌پذیری و حرکت به سوی پایداری محلات و شهرها گردیده است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۸۹).

خوشبختانه، همگام با تغییر و تحولات جهانی در کشور ما نیز در طی دهه‌های گذشته، پیش‌شرط‌های قانونی در زمینه تمرکززدایی و حرکت به سوی رویکردهای مشارکتی و پایین به بالا در مدیریت شهری تا حدودی فراهم گردیده و اقدامات وسیعی در این خصوص صورت پذیرفته است^۳ که یکی از مهم‌ترین آنها تأسیس شورایی‌ها و سرای محله در محلات شهر تهران است که هدف از آن، تحقق و اجرای قانون شوراها و تقویت مشارکت هرچه بیشتر شهروندان تهرانی در ساماندهی امور مختلف شهری و جلب همکاری واقعی آنان در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است (اساس‌نامه انجمن‌های شورایی). با عنایت به پیچیدگی فزاینده اقتصادی و اجتماعی و چالش‌های زیست‌محیطی و کالبدی فراوان در کلانشهر تهران و با توجه به اینکه شوراهای محله جز ارکان مهم تصمیم‌گیری بوده و در صورت عملکرد شایسته و مؤثر قادرند با سازماندهی و

1- UN

2- Network-based governance approaches

۳- شایان ذکر است که مصادیق عدم تمرکز از جمله انجمن‌های محلی، در ایران سابقه‌ای صدساله دارد و در انقلاب مشروطیت یکی از دلخواسته‌های همیشگی مردم ایران زمین یعنی ایجاد نهادهای مردمی و محلی محقق گردید و در اصول قانون اساسی مشروطه از قبیل اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ تشکیل این‌گونه نهادها پیش‌بینی شده بود، اما گام‌های استوار و اقدامات گسترده در این زمینه بعد از انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است.

جلب مشارکت‌های مردمی، پیوندی عمیق و ناگسستنی میان شهروندان و مدیریت شهری برقرار کنند و منجر به ظرفیت‌سازی و توانمندسازی شهروندان، بهبود عملکرد مدیریت شهری و در نهایت ارتقای زیست‌پذیری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان گردد که سرای محله به عنوان مکانی برای اجرا شدن این موارد ذکر شده است. در سال‌های گذشته در سطح محلات کلانشهر تهران برنامه‌های مختلفی در جهت ارتقاء مشارکت شهروندان به اجرا درآمده است. یکی از این برنامه‌ها احداث سرای محله است. شهرداری‌ها به عنوان مجریان، ساخت سرای محله در اکثر محلات تهران و عموماً قرار دادن ساختمان‌های این سراها در مکان‌های پر رفت و آمد مدعی رضایت شهروندان از برنامه‌ها و مشارکت آنان در تمام مراحل تصمیم‌گیری می‌باشند. به نوعی مدیریت محلی را در قالب شورایی‌ها و سرای محلات می‌بینند. سرای محله درب دوم، طی سال گذشته به عنوان سرای محله نمونه از طرف شهرداری کلانشهر تهران انتخاب شد؛ بنابراین برنامه‌های سرای محله باید توانسته باشد که زمینه‌ساز مشارکت برای تمامی ساکنان محله و در نهایت رضایت آنها را فراهم کرده باشد. لذا پژوهش حاضر بر آن است که ضمن بررسی برنامه‌های سرای محله و اثربخشی و موفقیت آنها در برآوردن اهداف و ترویج مشارکت واقعی در محله درب دوم، به تحلیل میزان رضایت مردمی از این برنامه‌ها پرداخته و در نهایت راهکارهای اجرایی برای بهبود وضعیت موجود آن ارائه دهد. هدف اصلی این تحقیق «بررسی میزان مشارکت و رضایت شهروندان از برنامه‌های سرای محله» است، لذا سؤالات اصلی پژوهش شامل موارد ذیل است:

- ۱- مشارکت مردم در برنامه‌های سرای محله برحسب هر کدام از ابعاد به چه میزان است؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان برنامه‌های سرای محله و میزان رضایت ساکنان وجود دارد؟

تحولات بینشی در عرصه مدیریت شهری

تا دهه ۱۹۸۰ که عصر غلبه دیدگاه کل ارگانیک از سازمان جامعه است فرض غالب این بود که حکومت‌ها واجد اقتدار و ظرفیت کافی برای اداره و حکومت هستند و توان صورت‌بندی و اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف توسعه را دارند. ترجمان این تعریف در زمینه شهری، رویکرد دولت‌مدار در توسعه است که تلویحاً به این معنی است که سازمان‌های بخش عمومی به تنهایی می‌توانند انواع برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و منطقه‌ای را به انجام برسانند (راکودی^۱، ۲۰۰۳: ۵۲۳). در چنین تلقی از جامعه، تضاد بر سر ارزش‌ها و منافع وجود ندارد و جامعه و کارشناسان و کارگزاران برنامه‌ریزی به درک واحدی از مسئله، اهداف و منافع عمومی رسیده‌اند. ارزش‌های مسلط در این دیدگاه، متخصصان و محافظه‌کاران هستند که هرگونه ماهیت سیاسی فعالیت برنامه‌ریزی را انکار می‌کنند. در مقابل این نظریه، نظریه تکثرگرا از سازمان و ساختار اجتماعی قرار دارد که مطابق آن دولت و متخصصان تنها بخشی از ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. در این دیدگاه عوامل بخش عمومی، بخش خصوصی، تشکل‌های غیردولتی، افراد و خانوارها هر یک صاحب نفع و دید متمایزی پنداشته می‌شوند که باید جایگاه مشخصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیدا کنند. در نظریه جدید، تصمیم‌گیری امری جمعی قلمداد می‌شود که باید با حضور کلیه گروه‌های درگیر صورت گیرد. مطابق نظر جانستون (۲۰۰۳)، اشاعه مفهوم «حکمروایی و حکمروایی خوب» تأیید این نکته است که هماهنگ‌سازی نظام‌های اجتماعی پیچیده و هدایت توسعه جامعه هیچ‌گاه تنها بر عهده دولت نبوده بلکه همراه مستلزم روابط متقابل میان طیف بازیگران دولتی و غیردولتی بوده است. بیشتر محقق در فرآیند عمومی حکمروایی معتقدند که سازمان‌های غیردولتی نقش نسبتاً مهم‌تری یافته‌اند (برک‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

تا اواسط دهه ۱۹۷۰، برنامه‌ریزی و مدل‌های مدیریت شهری که از سوی کشورهای مختلف در حال توسعه، به‌ویژه در کشورهای آفریقایی بعد از استقلال، اقتباس و به کار گرفته شده‌اند عمدتاً رویکردی عرضه - محور داشته‌اند. بر این اساس دولت‌ها در شکل مراجع و شعب محلی حکومت مرکزی، مسئولیت اصلی مدیریت نواحی شهری را نیز به عهده داشته‌اند. این برنامه‌ها مبتنی بر اصول برنامه‌ریزی بلوپرینتی^۱ مدرنیستی و طرح‌های جامع بود. حکومت شهری در چنین وضعیتی بیشتر از سوی نمایندگان منتصب و در موارد اندک از سوی منتخبان اداره می‌شد. به این ترتیب، قدرت مراجع محلی از سوی حکومت مرکزی تعیین می‌شد (کوروبولو^۲، ۱۹۹۸: ۸). از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواسط ۱۹۸۰ کانون توجه کمک‌های بین‌المللی بر مداخله پروژه گرا متمرکز بود که در قالب پروژه‌های کوچک آزمایشی قابل اجرا در هر مکانی دنبال می‌شد. این رویکرد شامل مداخله‌های کوچک و آزمایشی بود که می‌توانست در هر نقطه‌ای تکرار شود. در این دوره ویژگی‌های مشخصه مکانی بر الگوهای بین‌المللی بیش از پیش ترجیح یافت. از این رو، بر مداخله اجتماعات محلی خود - یار^۳ تأکید می‌شد. در این رویکرد، مکان‌ها، خدمات و برنامه‌های ارتقاء کیفیت، نوعی شیوه ساخت و ساز خودیار برای وارد کردن اجتماعات محلی در تأمین سرپناه اقتباس کردند (ورنا^۴، ۱۹۹۵: ۳۵۴). از اواسط دهه ۱۹۸۰ تاکنون توجهات بیشتر معطوف فرآیندهای بلندمدت و شهر - گستره^۵ بوده است. در این رویکرد بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت مدیریت شهری تأکید می‌شود. توجه روزافزون به ظرفیت‌سازی و تقویت نهادی - سازمانی برای مدیریت فرآیند توسعه شهری، نشانگر حرکت از نوعی مدیریت بسیار متمرکز به مدیریت محلی است تا با انجام کارکردی ابزاری و شبه تجاری بتواند مراجع محلی را برای هدایت توسعه شهری توانمند سازد (ورنا، ۱۹۹۵: ۳۵۴؛ کوروبولو، ۱۹۹۸: ۹).

دلایل تغییر از رویکردی به رویکرد دیگر نقایص و ناتوانی این رویکردها در رفع مسائل شهری است. رکود اقتصادی، بی‌ثباتی و مشکلات زیست‌محیطی به بحران بزرگ و وسیعی دامن زد که ویژگی اصلی کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر بوده است. بروز چنین شرایطی همزمان با تغییرات اجتماعی و سیاسی وسیع در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ و رویدادهایی مانند موج دموکراتیک سازی در کشورهای در حال توسعه و اروپای شرقی، فروپاشی سوسیالیسم شوروی و حوزه نفوذ آن، ظهور محلی‌گرایی به عنوان پاسخی به نگرانی‌های زیست‌محیطی و روندهای جهانی شدن بود. اثرات این شرایط، استقبال از توسعه مشارکتی و افزایش نقش حکومت‌های محلی دموکراتیک بود که این نیز مستلزم تفویض وظایف از بالا به پایین و تمرکززدایی از مراجع و قدرت‌های ملی بوده است (پیترز^۶، ۲۰۰۴: ۱۲). نتیجه این تغییرات تمرکز بر موضوعات جدید چون توسعه نهادی - سازمانی بوده است. در نتیجه، گذار دیگری از اواسط دهه ۱۹۰۰ و در پارادایم غالب در حوزه مدیریت شهری به وقوع پیوست برآیند آن شکل‌گیری مفاهیمی همچون حکمروایی شایسته شهری و حکمروایی محلی بود.

حکمروایی شهری و محلی

در مورد مفهوم «حکمروایی» تفاسیر مختلفی وجود دارد و تعریف پذیرفته‌شده مشترک در نظریه و عمل وجود ندارد و نهادها و افراد گوناگون تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند (برنامه توسعه ملل متحد^۷، ۲۰۰۹: ۲-۳).

1- Blueprint

2- Corubolo

3- Self - Help

4- Werna

5- City - Wide

6- Pieterse

7- United Nations Development Program

حکمروایی را به عنوان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور کشور در همه سطوح نه تنها توسط دولت بلکه همچنین توسط جامعه مدنی و بخش خصوصی تعریف می‌کند. به بیانی حکمروایی به معنای فرایندی است که به واسطه آن سازمان‌ها یا منابع به گونه‌ای مدیریت می‌گردند که مشارکت، شفافیت و ذی‌حسابی و قانونمندی تضمین گردد؛ به گونه‌ای که مسیر را برای تغییر پایدار مشخص می‌سازد (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۱۰: ۷). از نظر کراس و مرتینز (۲۰۰۸) حکمروایی فرایندی است که دربردارنده روابط متقابل و مناسبات میان ذی‌نفعان مختلفی از بازیگران عمومی، خصوصی یا جامعه مدنی (در همه مقیاس‌ها از محلی گرفته تا جهانی) است (کراس و مرتینز^۱، ۲۰۰۸: ۱۰). بر طبق تعریف بانک جهانی (۱۹۹۴) حکمروایی اعمال قدرت سیاسی برای مدیریت اقتصادی و اجتماعی ملت است. بر اساس این تعریف، نقش مراجع قدرت عمومی خلق چارچوبی برای فعالیت‌های کارگزاران اقتصادی و تصمیم‌گیری در مورد توزیع منافع و همچنین ماهیت رابطه بین حکومت و حکومت شده است. این شامل مکانیسم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع خود را مفصل‌بندی کرده و حقوق قانونی خود را دنبال نموده و مسئولیت‌ها و تعهدات خود را ادا کرده و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌کنند.

حکمروایی شایسته به عنوان اعمال قدرت توسط سطوح مختلف حکومت که مؤثر، راستین، عادلانه، شفاف و پاسخگوست، تعریف شده است. به عبارتی حکمروایی شایسته به عنوان مفهومی راهبردی تلقی می‌شود که هدفش بهبود کارایی و ظرفیت و شفافیت اداری است و با فساد مبارزه می‌کند و ذی‌حسابی ادارات و سازمان‌ها را افزایش می‌دهد (ضیایی^۲، ۲۰۰۳: ۴۱۶). حکمروایی شایسته تضمین می‌کند که اولویت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر مبنای اجماع گسترده در جامعه است و اینکه صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد و گروه‌ها شنیده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌ها در مورد تخصیص منابع توسعه مد نظر قرار گرفته می‌شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۰۹). بر طبق UNESCAP (۲۰۰۴) اصطلاح «حکمروایی شایسته» بر هشت ویژگی عمده تصمیم‌گیری؛ اجماع محوری؛ ذی‌حسابی؛ شفافیت؛ پاسخگویی؛ کارایی و اثربخشی؛ عدالت و دربرگیرندگی و قانونمندی اشاره دارد.

حکمروایی نه تنها فراتر از معنی جمعی مفاهیم مربوطه همچون دولت، حکومت، رژیم و غیره است؛ بلکه می‌تواند به عنوان سازمان‌دهی حیات عمومی محلی از طریق طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و افراد که توسط افراد محلی برای مدیریت جمعی محله انتخاب شده‌اند، تلقی شود (بتی و هیلتون^۳، ۲۰۰۳). به بیانی، حکمروایی در سطوح محلی به عنوان مجموع شیوه‌هایی تلقی می‌شود که نهادها و افراد (عمومی و خصوصی) برای امور مشترک محله برنامه‌ریزی می‌کنند (یو ان-هبیتیت^۴، ۲۰۰۲: ۴۹). به طور کلی می‌توان گفت که حکمروایی محلی فرایندی است که به واسطه آن همه اعضای جامعه که تحت تأثیر تصمیمات قرار دارند نقشی اثرگذار در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها ایفا می‌نمایند. اجماع عمومی و گسترده‌ای وجود دارد که حکمروایی محلی نه تنها طیف وسیعی از خدمات محلی را تأمین می‌کند بلکه حیات و آزادی ساکنان حفظ نموده و ارتقا می‌دهد، فضاهایی برای مشارکت دموکراتیک و گفتمان مدنی فراهم می‌آورد، از توسعه محلی پایدار و سرزندگی اقتصادی حمایت می‌کند و کیفیت زندگی ساکنان را افزایش می‌دهد.

1- Kraas & Mertins
2- Ziai
3- Batty and Hilton
4- UN-Habitat

مشارکت شهروندی

آگاهی در مورد بودن مشارکت به عنوان عنصری بنیادین در توسعه موفق آمیز (برهونی^۱، ۲۰۰۰: ۳۱) به طور فزاینده‌ای در حال رشد است و اعتقاد راسخی در میان پژوهشگران و سیاستمداران و افراد درگیر در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری وجود دارد که پایداری پیوندی نزدیک با مشارکت کامل و واقعی همه ذی‌نفعان در فرآیند توسعه دارد. ادبیات تحقیق جهانی مجموعه‌ای از تعاریف مشارکت از «نشانه مشارکت مردم» تا «تصمیم‌گیری مستقل سازمان‌های رایج در سطح محلی» در اختیار ما قرار می‌دهد (ایبید^۲، ۲۰۰۰: ۲۶). بانک جهانی (۱۹۹۶) مشارکت را به عنوان فرایندی تعریف می‌کند که از طریق آن ذی‌نفعان بر برنامه‌های توسعه اثرگذار هستند و به طور مشترک بر تصمیمات و منابعی که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد کنترل دارند (بانک جهانی^۳، ۱۹۹۶). دیویس و گرنت (۲۰۰۳) مشارکت شهروندی را شیوه‌هایی می‌دانند که در آن شهروندان بر تصمیماتی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دخالت داشته و کنترل دارند. مشارکت شهروندی می‌تواند به عنوان «فراهم نمودن فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری دولتی یا فرآیند برنامه‌ریزی» تلقی شود (گلاس^۴، ۲۰۱۵: ۱۸۵) اما مشارکت مطلوب آنی است که شهروندان را قادر به شکل‌دهی تصمیمات و خروجی‌های برنامه‌ریزی می‌سازد ضمن آنکه توانمندی اقتصادی و اجتماعی آنها را افزایش می‌دهد (لاریان^۵، ۲۰۰۴) بنابراین، مشارکت فراتر از ترویج وارد شدن در امور محلی است و به معنای ظرفیت گروه‌ها و افراد برای اثرگذاری و اعمال قدرت است (پاتیسون^۶، ۲۰۰۱: ۳۵۹).

پلات (۱۹۹۶) به سه نوع مشارکت اجتماعات محلی اشاره دارد که توسط استورگا ارائه شده است:

- مشارکت فیزیکی: حضور داشتن، استفاده از مهارت‌ها و فعالیت‌های یک فرد؛
- مشارکت ذهنی: مفهوم‌سازی فعالیت، تصمیم‌گیری، سازمان و مدیریت؛
- مشارکت هیجانی: تصور مسئولیت‌پذیری، قدرت و اقتدار.

نلسون و رایت (۱۹۹۵) بر سه مدل اشاره دارند که گستره مشارکت مردم را نشان می‌دهد:

- مشارکت صوری^۷: ما تظاهر می‌کنیم که آنها در پروژه ما مشارکت دارند؛
- مشارکت گزینشی^۸: آنها در پروژه ما شرکت دارند؛
- مشارکت توانمندساز: ما در پروژه آنها مشارکت داریم.

مشارکت شهروندی شالوده اصلی جامعه دموکراتیک معاصر و اجتماعات پایدار است (کاثیل و فین^۹، ۲۰۰۵: ۶۴) و نقشی عظیم در توانمندسازی و ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت حکمروایی محلی دارد. مشارکت شهروندی در حکمروایی به دنبال توسعه قدرت و منابع به دور از کنترل مرکزی و خلق ساختارهای دموکراتیک محلی و محلاتی است که استوکر آن را «محلّه‌گرایی نوین» می‌نامد (ستوکر^{۱۰}، ۲۰۰۴: ۳). به طور کلی می‌توان گفت که مشارکت اجتماع محلی فرایندی پویاست که به واسطه آن افراد یا گروه‌های مخاطب جهت و اجرای برنامه توسعه

1- Brehony

2- Ibid

3- World Bank

4- Glass

5- Laurian

6- Pattison

7- Cosmetic participation

8- Co-opting participation

9- Cuthill and Fien

10- Stoker

را تحت تأثیر قرار می‌دهند و هدف ارتقای بهروزی و رفاه از نظر درآمد، رشد شخصی، خودآتکایی، توسعه معنوی و دیگر ارزش‌هاست.

شورایاری‌ها

همان‌طور که ذکر آن رفت در طی سه دهه گذشته به منظور بهبود عملکرد دولت، مشارکت شهروندی در مدیریت و ارائه خدمات عمومی به طور فزاینده‌ای دنبال می‌شود و تمرکززدایی به عنوان روندی جهانی در اداره و مدیریت عمومی مطرح شده است (احمد و همکاران، ۲۰۰۵؛ ستینر^۱، ۲۰۰۵). تغییر از حکومت و مدیریت آمرانه و تنظیمی به حکمروایی در شهرها نیازمند تدارک ابزارها و قوانینی است که از درگیری و مشارکت افراد و سازمان‌های خارج از دولت (از طریق ساختارها و نهادهایی پشتیبان روابط مؤثر بین بخش‌های عمومی، خصوصی و اجتماع) حمایت می‌کند. در این زمینه، شورای اسلامی شهر تهران به منظور استفاده بهینه از نیروهای مردمی در جهت مشارکت در مسائل شهری، اساس‌نامه انجمن‌های شورایاری محلی، شورایاری‌ها به عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی و داوطلبانه مردمی و محله‌ای تعریف شده است که به منظور خلق بستری برای شکل‌گیری ارتباط و تعامل سازنده و فراگیر بین ساکنان محدوده‌های محلی با یکدیگر از یک‌سو و با تشکل‌ها و نهادهای مدنی از سوی دیگر به وجود می‌آیند. دلیل تشکیل شورایاری‌ها حجم عظیم و گسترده مسائل و چالش‌های شهری تهران و تمرکززدایی و بهره‌مندی از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات آحاد مردم و مشارکت واقعی، پایدار، دائمی و نهادینه و تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌های و نهادهای مدنی داوطلبانه و مردمی است. مشارکت‌های اجتماعی مردمی، استفاده از قابلیت‌ها و توانایی‌های شهروندان در سازماندهی امور شهر، افزایش توان مدیریت شهری در اجرای پروژه‌ها و طرح‌ها، احصاء مشکلات و چالش‌های واقعی شهروندان و ساکنان محله و تعامل با حوزه‌های دولتی و عمومی از مهم‌ترین اهداف تشکیل شورایاری‌هاست. از ابتدای تأسیس شورایاری‌ها تا به امروز به عنوان نزدیک‌ترین کانون اجرایی و مشورتی میان شهروندان، مدیریت شهری و سازمان‌ها فعالیت می‌کنند و همواره در تلاش برای رفع مشکلات پیش روی مردم و کمک به توسعه و زیست پذیر ساختن شهرها هستند.

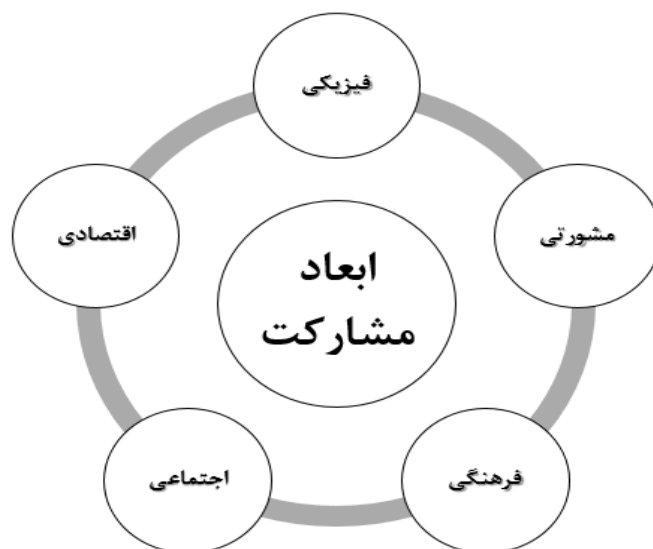
مواد و روش‌ها

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی - توسعه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه، تمامی ساکنان محله درب دوم با جمعیت ۱۳۳۹۲ نفر است؛ که در این ارتباط، ۳۶۰ پرسشنامه توزیع شده است. روش نمونه‌گیری در محله مورد مطالعه به صورت تصادفی ساده بوده است و برای تعیین حجم نمونه نیز با توجه به نوع استنباط داده‌ها و برقراری همبستگی بین متغیرها از جدول مورگان استفاده شده است (شکل ۱، جدول ۱). برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است و رقم ۰/۷۳ حاصل گردید که نشان‌دهنده پایایی ابزار بوده است. برای بررسی تعیین روایی پرسشنامه نیز، از نظر اساتید و کارشناسان متخصص استفاده شده است. در تحلیل نهایی پرسشنامه از نرم‌افزار مینی تب^۲ استفاده شده است. شاخص‌های فرهنگی (احیاء فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی، فرهنگ همسایگی)، شاخص‌های اجتماعی (همکاری و تعاون، حس تعلق، مراسم و مناسبات ملی و مذهبی)، برنامه‌های ورزشی (تنوع و جذابیت و میزان امکانات و وسایل ورزشی)، تأثیرات روحی (احساس آرامش و دوری از تنهایی و افسردگی)، خدمات شهرداری (توجه به نیاز و نوع خدمات).

1- Steiner

2- Minitab

در بخش آمار استنباطی متغیرهای پژوهش مشخص شده‌اند و از آزمون t تک‌نمونه‌ای و سپس با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف^۱ نرمال‌سازی داده‌ها، برازش داده شد و با استفاده از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی بین داده نشان داده شد و از این طریق خط رگرسیون مدل رضایت به دست آمده است. دلیل انتخاب محله درب دوم به عنوان محدوده مورد مطالعه معرفی سرای محله این محله، از طرف شهرداری به عنوان سرای محله نمونه است.



شکل ۱. مشارکت و ابعاد آن

جدول ۱. متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

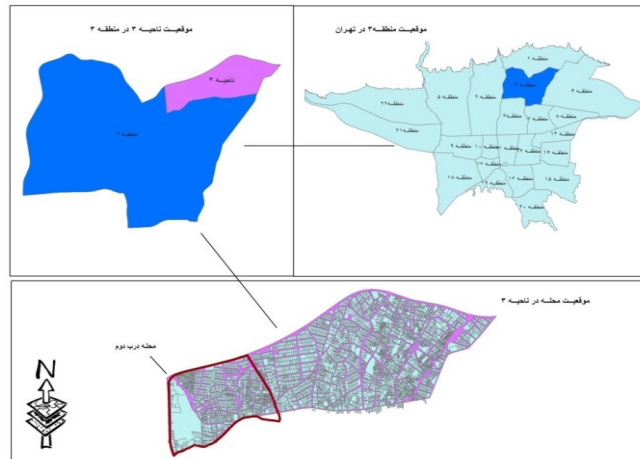
ردیف	عنوان متغیر	نوع متغیر	تعداد گویه‌ها
۱	رضایت‌مندی از سرای محله	وابسته	۴
۲	برنامه‌های فرهنگی	مستقل	۴
۴	برنامه‌های اجتماعی	مستقل	۳
۵	برنامه‌های ورزشی	مستقل	۴
۶	تأثیرات روحی و روانی	مستقل	۳
۷	خدمات شهرداری	مستقل	۳

معرفی منطقه مورد بررسی

محله درب دوم در شهرداری منطقه ۳، ناحیه ۳ شهر تهران واقع شده است. محدوده آن از شمال به بزرگراه صدر، از جنوب به خیابان کلاهدوز، از شرق به بلوار کاوه و از غرب به خیابان دکتر شریعتی منتهی می‌شود (طرح تفصیلی منطقه ۳، ۱۳۸۶: ۲۳). معضل کلیدی امروز محله درب دوم، وجود بافت فرسوده و فقدان اسناد مالکیت حدود ۵۰٪ از املاک محله است. کم‌عرض و نامناسب بودن سطح برخی معابر از دیگر مسائل جدی این محله است. عدم تناسب و توازن ترکیب خانوارهای محله و دوگانگی در آن، از مشکلات محله درب دوم است (سند راهبردی توسعه محله درب دوم، ۱۳۹۱، ۲) تمامی این مشکلات و معضلات که بر اساس مطالعات میدانی در سند راهبردی محله ذکر شده است مانع مشارکت فعالانه ساکنان می‌شود و از جهت دیگر، مشارکت ساکنان می‌تواند این معضلات و مشکلات را کاهش دهد (جدول ۲، شکل ۲).

جدول ۲. بررسی ویژگی‌های جمعیتی محله درب دوم

جمعیت کل	تعداد خانوار	جمعیت مرد	جمعیت زن	شاغل	بیکار	باسواد	بی‌سواد
۱۳۳۹۲	۴۲۴۱	۶۵۰۹	۶۸۹۴	۱۲۷۹۹	۶۰۳	۱۲۴۸۴	۳۹۳



شکل ۲. موقعیت منطقه و محله در مناطق ۲۲ گانه تهران

معرفی پروژه سرای محله

احداث سرای محله با هدف محله محوری و اتخاذ سیاست‌های شهروند محوری و مشارکت‌گرایی است که به صورت همسان در سطح تمام محلات مناطق ۲۲ گانه تهران در دست اجرا است. با تصویب لایحه سرای محله فعالیت فرهنگی و اجتماعی و خدماتی در محله‌ها دچار تحول شده و هزینه سنگینی که هم‌اکنون به شهرداری تحمیل می‌شود از دوش این نهاد برداشته خواهد شد. هدف از راه‌اندازی سرای محله مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان و در نهایت واگذاری تصمیمات محله به خود آنها است. این نکته از اهداف اصلی شروع به کار سراهای محله است که در لایحه مربوط نیز به آن اشاره شده است. این سراها توسط هیأت‌مدیره‌هایی اداره خواهند شد که اعضای آن، اعضای شورایی، مدیر محله و مسئولان کارگروه‌های تخصصی هستند. وظیفه آنها نیز برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت بر امور محله در چارچوب‌های سیاست‌های اجرایی شهرداری است. فضاهای در نظر گرفته شده در سرای محله شامل موارد زیر است:

- خانه سلامت محله
- خانه اسباب‌بازی محله
- خانه کارآفرینی
- دفتر شورایی محله
- کتابخانه و سالن مطالعه
- مکانی برای تشکیل کلاس‌های آموزشی
- مرکز مشاوره
- دارالقرآن (مقوم و نصرتی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۳-۸).

نتایج و بحث

بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته ۵۵/۶ درصد پرسش‌شوندگان را مرد و ۴۴/۴ درصد پرسش‌شوندگان را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ سنی بیشتر پرسش‌شوندگان بین ۶۴-۴۵ ساله هستند و ۵۳/۴ درصد

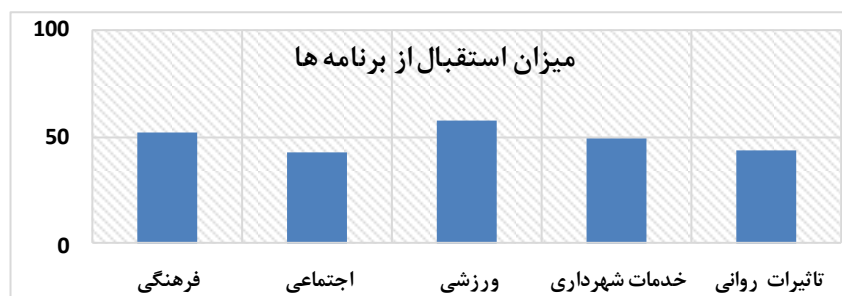
پرسش‌شوندگان نیز مجرد هستند. حدود ۲۵/۷ درصد پرسش‌شوندگان دارای مشاغل خدماتی و ۲۴/۴ درصد نیز دارای مشاغل دولتی هستند در مجموع فقط ۳/۶ درصد از پرسش‌شوندگان بیکار هستند که نشان‌دهنده وضعیت مطلوب محله از لحاظ اشتغال است. ۳۶/۸ درصد از حجم نمونه را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای مدرک تحصیلی دیپلم می‌باشند و همچنین ۳/۳ درصد از پرسش‌شوندگان را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهند. در جدول ۳ اطلاعات پرسش‌شوندگان به صورت کامل شرح داده شده است.

جدول ۳. اطلاعات کلی پرسش‌شوندگان

ویژگی‌های دموگرافی		تعداد	درصد	درصد تجمعی
جنس	مرد	۲۰۰	۵۵/۶	۵۵/۶
	زن	۱۶۰	۴۴/۴	۱۰۰
سن	۱۵-۳۰	۶۹	۱۹/۳	۱۹/۳
	۳۰-۴۵	۸۳	۲۲/۹	۴۲/۲
	۴۵-۶۴	۱۱۶	۳۲/۲	۷۴/۴
	بیشتر از ۶۴ سال	۹۲	۲۵/۶	۱۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۱۹۳	۵۳/۴	۵۳/۴
	متاهل	۱۶۷	۴۶/۶	۱۰۰
وضعیت فعالیت	بیکار	۱۳	۳/۶	۳/۶
	خانه‌دار	۵۶	۱۵/۶	۱۹/۲
	دانشجو	۳۴	۹/۵	۲۸/۷
	خدماتی	۹۳	۲۵/۷	۵۴/۴
	دولتی	۸۸	۲۴/۴	۷۸/۸
	کشاورز	۷	۱/۹	۸۰/۷
	بازنشسته	۶۹	۱۹/۳	۱۰۰
تحصیلات	بی‌سواد	۱۲	۳/۳	۳/۳
	زیر دیپلم	۹۳	۲۵/۸	۲۹/۱
	دیپلم	۱۳۲	۳۶/۸	۶۵/۹
	لیسانس	۸۶	۲۳/۸	۸۹/۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۷	۱۰/۳	۱۰۰
مجموع		۳۶۰	۱۰۰	۱۰۰

میزان استقبال از برنامه‌های سرای محله

میزان استقبال از این برنامه‌ها نشانه‌ای از موفقیت در انجام و مشارکت ساکنان و به نوعی حکمروایی خوب شهری است. مشارکت در این برنامه‌ها می‌تواند نشان از حس تعلق به محله و به نوعی بازگشت قدرت در سطح محلی باشد که نتیجه آن توسعه اجتماع محلی است (شکل ۳).

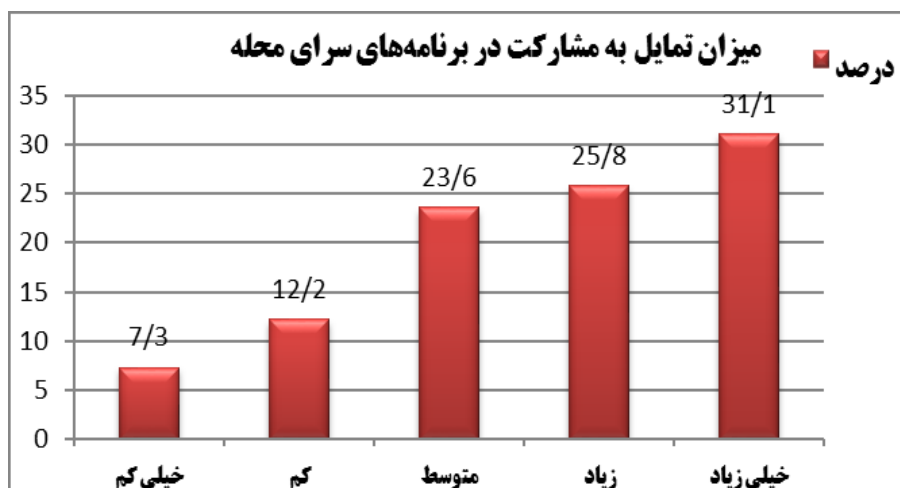


شکل ۳. میزان استقبال از برنامه‌های سرای محله

در این سؤال میزان استقبال ساکنین محله از برنامه‌های سرای محله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، نتایج پرسشنامه گویای آن است که بیشترین میزان استقبال، از برنامه‌های ورزشی با ۵۷ درصد است و سپس برنامه‌های فرهنگی (۵۲ درصد)، خدمات شهرداری (۴۹ درصد)، تأثیرات روحی روانی (احساس آرامش و دوری از تنهایی و افسردگی با حضور در سرای محله) (۴۳ درصد) و برنامه‌های اجتماعی (۴۲ درصد) است. در این زمینه می‌توان با افزایش برنامه‌ها به صورتی که تمامی سنین و هر دو جنس را دربر بگیرد میزان مشارکت را بالا برد.

میزان تمایل به مشارکت در برنامه‌های سرای محله

مردم زمانی که به مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن مقامات دولتی اعتماد داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در اداره امور خواهند داشت، بالعکس، زمانی که شهروندان یک جامعه اطمینان از اثرگذاری مشارکت خود بر تصمیمات و اقدامات دولت و دولتمردان را از دست بدهند، جامعه با پدیده بی‌اعتمادی مواجه می‌شود و درصد مشارکت کمتر می‌شود (شکل ۴).



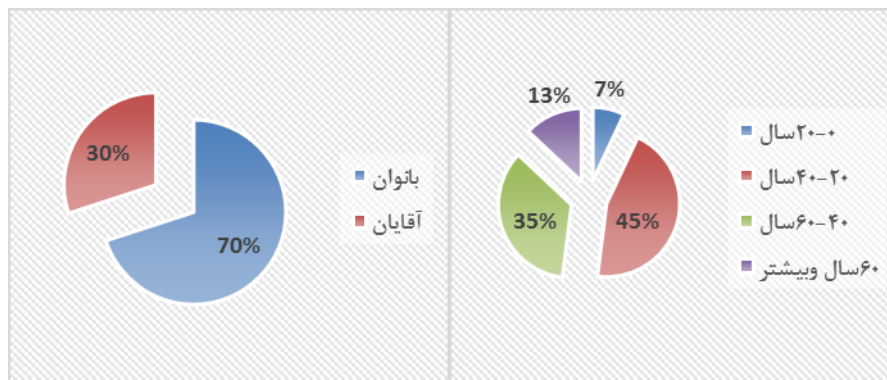
شکل ۴. میزان تمایل ساکنین به مشارکت

همان‌گونه که در نمودار شکل ۴ نشان داده شده است ۵۷ درصد از ساکنان محله تمایل زیاد و خیلی زیاد به مشارکت در برنامه‌های سرای محله دارند و تنها حدود ۲۰ درصد از اهالی محل، کم و خیلی کم تمایل به مشارکت دارند. در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه کرد که تنها حدود ۲۰ درصد از ساکنان به مشارکت تمایل کم و یا خیلی کم دارند و ۸۰ درصد باقیمانده، نشان‌دهنده پتانسیل‌های نیروی انسانی محله است که با توجه به میزان مشارکت نسبتاً پایین ساکنان، باید بسترسازی لازم برای حضور فعال ساکنان فراهم شود. جدول فوق گویای آن است که مدیریت محله می‌تواند مشارکت مردم را در سطح بالایی به دست آورد اگر بتواند بسترسازی لازم را انجام دهد.

دربرگیرندگی برنامه‌های سرای محله

تصمیم‌سازی مشارکتی ناظر بر سطحی از قدرت تقسیم شده است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی انسان بروز یابد. امروزه در برنامه‌ریزی‌ها، مشارکت مردم از اهم موضوعات است و باید برای ارتقای مشارکت مردم تلاش‌های بیشتری صورت گیرد تا توانایی‌های افراد شکوفا شود. یکی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی کارآمد، منعطف و جامع بودن آن است. منعطف به این معنی که قابلیت تطبیق با شرایط موجود در صورت

پیشامدی را داشته باشد و جامع به معنی اینکه تمام گروه‌های سنی و جنسی ذی‌نفع را در برداشته باشد. چنین برنامه‌ریزی توجّه به سلیقه‌ها و نظریات مختلف را در ارجحیت قرار می‌دهد (شکل ۵).



شکل ۵. میزان مشارکت در برنامه‌های سرای محله به تفکیک جنس و سن

آمار به دست آمده از پرسشنامه نشان می‌دهد که زنان بیشترین مشارکت را در برنامه‌های سرای محله داشته‌اند. به طوری که ۷۰ درصد از پرسش‌شوندگان اظهار کرده‌اند که زنان دارای نقش مشارکتی بیشتری در سرای محله در بوم دارند که می‌تواند نشان‌دهنده روحیه مشارکت طلبی بیشتر زنان نسبت به مردان یا بسترسازی بیشتر برای ورود زنان به عرصه مشارکت باشد. البته ذکر این نکته نیز لازم است که زمان اجرای برنامه‌های سرای محله به گونه‌ای است که همزمان با ساعت کاری مردان است که عمده دلیل مشارکت پایین مردان در برنامه‌ها است. در زمینه گروه‌های سنی نیز افراد ۲۰ تا ۴۰ ساله بیشترین مشارکت را داشته‌اند که نشان‌دهنده توجّه مسئولین امر به جوانان است.

میزان مشارکت ساکنان در برنامه‌های سرای محله

یکی از ابزارهای اساسی در بحث مدیریت پایدار، گسترش مشارکت و افزایش توانمندی مردم، ایجاد و توسعه تشکل‌های مردمی و اجتماعات محله‌ای است. در سیاست‌های مشارکتی توسعه، مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و نگهداری و نظارت بر برنامه‌های شهر بر عهده خود مردم است و فرصت ایجاد مشارکت و توانمندسازی برای مردم و توسعه توسط مردم و برای مردم فراهم می‌شود. بر اساس تجارب موجود، توسعه مشارکتی از پایدارترین اشکال توسعه به شمار می‌رود تا جایی که بسیاری از برنامه‌ریزان شهری بر این باورند که توسعه فراگیر و پایدار بدون ارتباط با مردم معنایی ندارد و تحقق آن بدون شکل‌گیری نهادهای برخاسته از مردم و همراهی و همیاری با آن در مراحل مختلف میسر نخواهد بود (جدول ۴).

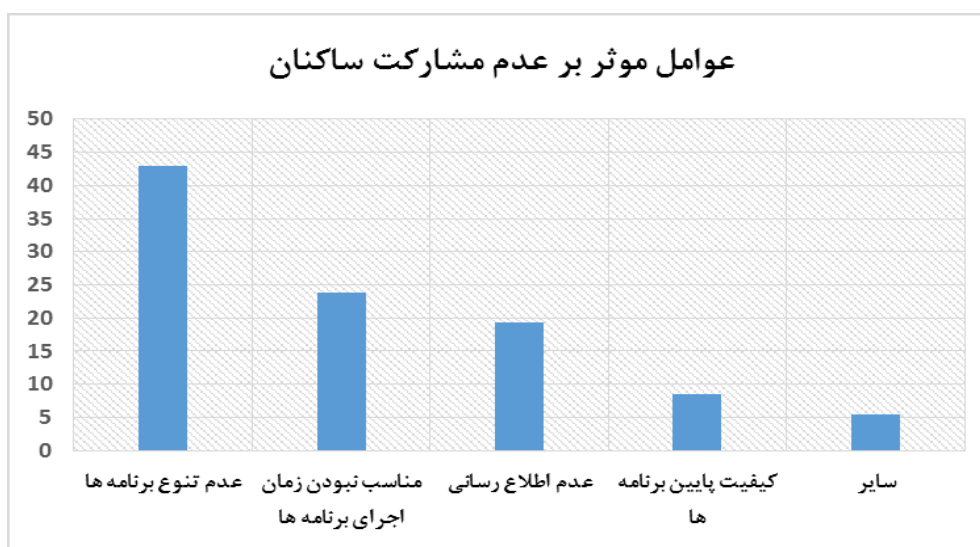
جدول ۴. میزان مشارکت شهروندان در برنامه‌های سرای محله

One-Sample Test							
انواع مشارکت	Test Value = 3						
	Mean	T	Df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
						Lower	Upper
اقتصادی	۱/۸۱	-۱۶/۸۲۹	۳۵۹	۰/۰۰۰	-۱/۱۹۰۰۰	-۱/۳۵۷۲	-۱/۰۲۲۸
فیزیکی	۱/۹۷	-۲۷/۲۵۷	۳۵۹	۰/۰۰۰	-۱/۰۲۶۲۵	-۱/۱۱۵۳	-۰/۹۳۷۲
اجتماعی	۳/۶۲	۴/۹۰۶	۳۵۹	۰/۰۰۲	۰/۶۲۰۰۰	۰/۳۲۱۲	۰/۹۱۸۸
مشورتی	۴/۱۶	۲۳/۳۳۴	۳۵۹	۰/۰۰۰	۱/۱۶۰۰۰	۱/۰۴۲۴	۱/۲۷۷۶
فرهنگی	۳/۱۸	۳/۰۸۲	۳۵۹	۰/۰۱۸	۰/۱۸۲۵۰	۰/۰۴۲۵	۰/۳۲۲۵

نتایج جدول فوق بر اساس آزمون t مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین نمرات بر اساس شدت از یک الی پنج رتبه‌بندی شده‌اند و نمره ۳ به عنوان نمره میانگین در نظر گرفته شده است. در تمامی شاخص‌ها اختلافات در سطح معنی‌داری ۵ درصد تأیید می‌شود. میزان مشارکت اقتصادی در پایین‌ترین سطح با میانگین ۱/۸۱ قرار دارد و مشارکت در بعد مشورتی با میانگین ۴/۱۶ بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. مشارکت فیزیکی نیز پایین‌تر از میانگین (۱/۹۷) قرار دارد. به اعتقاد عده‌ای از صاحب‌نظران مشارکتی که ابعاد اقتصادی و فیزیکی را در برنگیرد به عنوان مشارکت صوری شناخته می‌شود. می‌توان در مجموع میزان مشارکت در برنامه‌های سرای محله را متوسط ارزیابی کرد؛ اما باید به پتانسیل‌های محل نیز به‌ویژه در بعد انسانی توجه شود. با توجه به میزان تمایل به مشارکت ساکنان محله درب دوّم، می‌توان با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، سطح مشارکت را ارتقا داد.

عوامل مؤثر بر عدم مشارکت ساکنان

در سطح محلات عوامل مختلفی به عنوان عوامل بازدارنده در جذب مشارکت شهروندان شناخته می‌شود. در سرای محله نیز وجود عواملی موجبات ناکارآمدی سرای محله را فراهم می‌کند و مانع مشارکت فعال و پویای مردم در این فضای عمومی می‌شود (شکل ۶).



شکل ۶. عوامل مؤثر بر عدم مشارکت ساکنان

در میان عوامل ذکر شده، عدم تنوع در برنامه‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل بر عدم مشارکت ساکنان با ۴۳ درصد شناخته می‌شود. همچنین مناسب نبودن زمان اجرای برنامه‌ها نیز با ۲۴ درصد در رتبه دوّم قرار دارد. حدود ۲۰ درصد از اهالی محله درب دوّم اطلاعی از برنامه‌های سرای محله را نداشته‌اند.

میزان رضایت ساکنان از برنامه‌های سرای محله

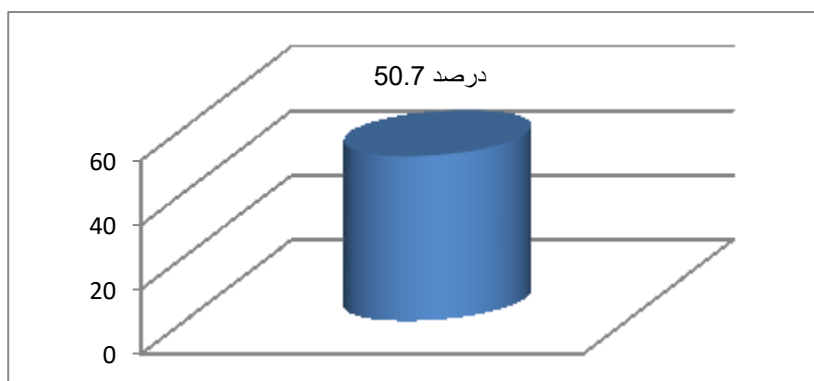
رضایت‌مندی از برنامه‌های سرای محله و مشارکت در آن معیاری برای سنجش تحقق حکمروایی خوب شهری در سطح محلی است. مردم به عنوان ذی‌نفعان آن باید محور برنامه‌ریزی در همه ابعاد و سطوح مختلف باشند. با مشارکت شهروندان، زمینه‌های رشد و توانایی افراد جامعه و بروز خلاقیت‌ها فراهم می‌گردد. فرآیند مشارکت که محور آن را احساس تعلق و گفتگوی آزاد و گسترده تشکیل می‌دهد، می‌تواند در امر توسعه پایدار بسیار مؤثر باشد. در مدل‌های جدید توسعه پایدار، از اجتماعات محلی خواسته می‌شود تا با مشارکت خود، کنترل منابع را

در دست گیرند و از این راه، هزینه‌های آن را کاهش دهند. مشارکت موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود (جدول ۵).

جدول ۵. میانگین رضایت از برنامه‌های سرای محله

انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین	کمترین	نمونه	
۰/۷۹	۲/۸۶	۴/۲۰	۱/۴۰	۳۶۰	برنامه‌های فرهنگی
۰/۹۱	۳/۴۲	۴/۶۵	۲/۱۷	۳۶۰	برنامه‌های اجتماعی
۱/۱۲	۲/۵۳	۵	۱	۳۶۰	برنامه‌های ورزشی
۱/۰۵	۳/۰۵	۵	۱	۳۶۰	خدمات شهرداری
۰/۸۶	۳/۳۶	۵	۲	۳۶۰	تأثیرات روحی - روانی

با توجه به پرسشنامه که طیف لیکرت پنج گزینه‌ای است؛ بنابراین گزینه‌ها بین اعداد ۱ تا ۵ قرار می‌گیرند؛ که میانگین برنامه‌های سرای محله عدد ۳ است. بیشترین رضایت از برنامه‌های سرای محله به تفکیک برنامه‌ها بیشترین رضایت از برنامه‌های اجتماعی با میانگین ۳/۴۲ است. بعد از آن به ترتیب برنامه‌های تأثیرات روحی - روانی با میانگین ۳/۳۶ و کمترین رضایت از برنامه‌های ورزشی است. در نهایت میزان رضایت کلی از برنامه‌های سرای محله در شکل ۷ نشان داده شده است.



شکل ۷. میزان رضایت از برنامه‌های سرای محله

در جامعه آماری مشخص شده، حدود ۵۰/۵ درصد از پرسش‌شوندگان از برنامه‌های سرای محله رضایت داشته‌اند. در اینجا لازم است دو مطلب ارائه شود: هرچند در نگاه اول به این رقم می‌توان قضاوت کرد که رضایت در سطح پایینی قرار دارد اما با توجه به اینکه پروژه سرای محله که سابقه تأسیس آن طولانی نیست و همچنین در سطح محله‌ای در کلانشهر و آن هم در یک کشور در حال توسعه که زمینه‌چندانی برای مشارکت فراهم نیست، می‌توان این سطح مشارکت را نسبتاً مطلوب عنوان کرد. از طرف دیگر در مقیاس کلی نمی‌توان رضایت ۵۰ درصدی را مطلوب عنوان کرد به‌ویژه اینکه برنامه در سطح خرد و واحد محله برگزار می‌شود. لذا نگارندگان این سطح مشارکت (۵۰/۵ درصد) را مطلوب نمی‌دانند؛ زیرا رضایت ۵۰ درصد نشان می‌دهد حداقل نصف ساکنان محله از این مکان رضایت ندارند که می‌تواند عدم مشارکت را نیز در پی داشته باشد.

رابطه میان برنامه‌های سرای محله و سطح رضایت ساکنان

برای مشخص کردن همبستگی بین متغیرهای پژوهش از آزمون پارامتریک استفاده شده است. دلیل استفاده از آزمون پارامتریک پیروسون به این خاطر است که داده‌های از توزیع نرمال پیروی می‌کنند و مقیاس متغیرها

فاصله‌ای است. برای این کار ابتدا آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای نرمال بودن داده برآزش و نرمال بودن داده‌ها مشخص شد. پس از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون محققین معنی‌دار بودن یا نبودن آن را مورد بررسی قرار دادند. برای این کار ابتدا درجه آزادی محاسبه شد و سپس با در نظر گرفتن درجه آزادی و سطح احتمال ۰/۰۵ محققین ضریب همبستگی بین متغیرها را محاسبه نمودند (جدول ۶).

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

خدمات شهرداری	برنامه‌های ورزشی	تأثیرات روحی و روانی	برنامه‌های اجتماعی	برنامه‌های فرهنگی
			۱	۰/۷۲۶
				۰/۰۰۰ -p مقدار
		۱	۰/۵۳۴	۰/۵۱۵
			۰/۰۰۲	۰/۰۰۴ -p مقدار
	۱	۰/۲۹۹	۰/۴۰۲	۰/۶۰۸
		۰/۱۰۸	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰ -p مقدار
۱	۰/۴۹۰	۰/۵۶۹	۰/۷۲۷	۰/۷۸۱
	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ -p مقدار
۰/۸۷۱	۰/۷۱۶	۰/۷۳۲	۰/۸۲۸	۰/۸۸۷
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ -p مقدار

با توجه به اینکه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شده است، اگر p- مقدار از ۰/۰۵ کمتر باشد، در ضریب همبستگی معنی‌دار خواهد بود. به این معنا که فرض صفر بودن ضریب همبستگی رد خواهد شد. حال با توجه به مقدار به دست آمده برای ضریب همبستگی در مورد رابطه بین دو متغیر بحث می‌شود بدین صورت که ضریب همبستگی نزدیک به مقدار ۱ نشان‌دهنده رابطه مستقیم و قوی و ضریب همبستگی نزدیک به مقدار -۱ گویای رابطه قوی و بالعکس است. در این میان با توجه به جدول ۴، بیشترین همبستگی بین برنامه‌های فرهنگی و رضایت با مقدار ۰/۸۸۷ است که نشان‌دهنده رابطه قوی و مستقیم بین این دو متغیر است. بعد از آن میزان همبستگی بین رضایت با خدمات شهرداری با ۰/۸۷۱ است (جدول ۷).

جدول ۷. آنالیز واریانس

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	p- مقدار
رگرسیون	۵	۱۶/۷۴۷۳	۳/۳۴۹۵	۳۶۹۹۴۹/۵۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰		
کل	۲۹	۱۶/۷۴۷۵			

با توجه به p- مقدار، نتیجه می‌گیریم که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای برنامه‌های فرهنگی، خدماتی، اجتماعی، ورزشی و تأثیرات روحی و متغیر وابسته رضایت برقرار است. خط رگرسیون بین این متغیرها به صورت: $۰/۲ + ۰/۱۹۹$ ورزشی $+ ۰/۲۰۱$ اجتماعی $+ ۰/۲$ برنامه‌های فرهنگی $+ ۰/۰۰۰۹۴ -$ رضایت خدمات $+ ۰/۲$ تأثیرات روحی برآزش داده شده نشان می‌دهد که در جدول زیر P- مقدار مربوط به معنی‌داری ضرایب به شرح زیر است (جدول ۸):

جدول ۸. معنی‌داری متغیرهای وابسته با توجه به رگرسیون

متغیر رگرسیونی	P-مقدار
عرض از مبدأ	۰/۶۹۷
برنامه‌های فرهنگی	۰/۰۰۰
برنامه‌های اجتماعی	۰/۰۰۰
برنامه‌های ورزشی	۰/۰۰۰
تأثیرات روحی و روانی	۰/۰۰۰
خدمات شهرداری	۰/۰۰۰

ضریب تعیین: ۹۵/۳٪ ضریب تعیین اصلاح‌شده: ۹۷/۶۵

حال با توجه به P- مقدار برای هر ضریب، مدل بدون عرض از مبدأ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مناسب تشخیص داده می‌شود. همچنین با توجه به ضرایب تعیین به دست آمده دیده می‌شود میزان تغییرات متغیر وابسته به خوبی توسط متغیرهای رگرسیونی بیان شده است. لازم به ذکر است فرض نرمال بودن باقیمانده‌ها نیز بر اساس آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی شد که بر اساس آن باقیمانده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند که این امر خوبی برازش را نشان می‌دهد. با توجه به مطالب بیان‌شده، خط رگرسیونی به صورت زیر مناسب تشخیص داده می‌شود:

$$\text{خدمات } ۰/۲ + \text{تأثیرات روحی } ۰/۲ + \text{ورزشی } ۰/۱۹۹ + \text{اجتماعی } ۰/۲۰۱ + \text{فرهنگی } ۰/۲ = \text{رضایت}$$

نتیجه آنکه همه متغیرهای مستقل در مدل وجود دارند با استفاده از مدل بالا حدود ۹۵ درصد تغییرات در عالم واقعیت گزارش می‌شود.

نتیجه‌گیری

مشارکت در مفهوم عام و مشارکت شهروندی در مفهوم خاص، هرچند که همواره امری مطلوب شناخته شده است، اما به دلیل پیچیدگی‌های فرآیند، دستیابی به آن در عمل همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. در نتیجه، این امر به تجربه‌های ناموفقی انجامیده که با نارضایتی شهروندان و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مسائل شهری همراه بوده است تا آنجا که گاه مشارکت تنها در نوشتن برنامه‌ها، قوانین و آئین‌نامه‌های اجرائی دیده می‌شود و تحقق آن به مرحله عمل و اقدام نمی‌رسد. در محله درب دوم احداث سرای محله اقدامی مثبت در جهت افزایش میزان مشارکت ساکنان بوده است. در مجموع در سطح محله درب دوم میزان مشارکت را می‌توان تا حدودی مثبت ارزیابی کرد البته در زمینه مشارکت اقتصادی و فیزیکی همواره با چالشی اساسی مواجه بوده است؛ اما ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تمایل ساکنان به مشارکت در امور محله، استفاده از این پتانسیل ضروری به نظر می‌رسد. برنامه‌های سرای محله باید دربرگیرندگی بیشتری را در بعد سنی و جنسی داشته باشد تا همه اقشار بتوانند در آن حضور یابند. همواره در محله درب دوم برنامه‌های سرای محله تأثیر مثبتی را بر رضایت ساکنان گذاشته است و موجبات رضایتمندی ساکنان این محله را فراهم نموده است. در مجموع با توجه به اینکه برنامه سرای محله در سطح محلات کلانشهری برای اولین بار در ایران به اجرا درآمده است و مدت زیادی نیز از اجرای این برنامه نگذشته است می‌توان آن را مثبت ارزیابی کرد و در آینده با شناسایی نقاط قوت و ضعف آن؛ حداکثر بهره‌برداری را از آن برد.

پیشنهادها

✓ ارائه برنامه‌های متنوع متناسب با گروه‌های سنی و جنسی در سرای محله؛

- ✓ بسترسازی برای مشارکت شهروندان با توجه به پتانسیل‌های نیروی انسانی محله؛
- ✓ ایجاد بستر فرهنگی و فرهنگ‌سازی با انجام برنامه‌های فرهنگی؛
- ✓ آموزش شهروندی برای ایجاد مطالبات شهروندی و تقویت جایگاه قانونی آن؛
- ✓ ارزیابی سالانه از میزان مشارکت مردم در امور شهری و شناسایی موانع و مشکلات آن؛
- ✓ بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات مردم در طراحی و اجرای برنامه‌های محله؛
- ✓ افزایش قدرت و واگذاری بیشتر مسئولیت‌ها و منابع محلی به شورایی‌ها و مردم.

منابع

- اساس‌نامه انجمن‌های شورایی، مصوب شورای اسلامی شهر تهران؛ با شورا و شوراییاران (۱۳۹۰) ویژه‌نامه نخستین سالگرد تشکیل انجمن‌های شورایی
- برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج (۱۳۷۸) *نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شهری*، انتشارات دانشگاه هنر.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۳) مفهوم و مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، مدیریت شهری، ۲، صص. ۱۲-۱.
- عبدالهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹) بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهر ایران، پژوهش‌های جغرافیا انسانی، ۷۲، صص. ۳۱-۱۸.
- مجموعه دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات تهران (۱۳۸۹) معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- مستندات قانونی اجرای طرح شورایی‌ها، بندهای ۲، ۵، ۶ و ۷ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی، اساس‌نامه مصوب شورای اسلامی شهر تهران در زمینه تشکیل شورایی‌ها در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۴.
- مقوم، سعیده؛ نصرتی‌نژاد، فرهاد (۱۳۹۰) *ارزیابی تأثیرات اجتماعی احداث سرای محله درب دوم، شرکت بهینه‌سازان پردازان امین، معاونت امور اجتماعی - فرهنگی شهرداری منطقه ۳*.
- مهندس مشاور شاران (۱۳۸۶) *طرح تفصیلی منطقه ۳ تهران*.
- Ahmad, J. K., Devarajan, S., Khemani, S., Shah, S. (2005) **Decentralization and Service Delivery**, World Bank Policy Research Working Paper No. 3603.
- Bailey S. J. (1999) **Local Government Economics-Principles and Practice**, London Macmillan Press, p. 359.
- Batty, C., Hilton, J. (2003) Self-confidence in Government, meeting the challenge in Doncaster, **International Review of Administrative Sciences**, 69 (2), pp. 161-172.
- Boyne, G., Cole, M. (1996) Fragmentation, concentration, and local government structure: top-tier authorities in England and Wales, 1831-1996, **Environment and Planning**, 14, pp. 501-514.
- Brehony, E. (2000) **Projects of the People or for the People: A Study of Villagers' Participation in Three Selected Projects in two Villages in Tanzania**. Unpublished Masters in Rural Development thesis, Department of Agribusiness, Extension and Rural Development, UCD.
- Canadian International Development Agency (2009) **redefining the concept of governance, 200 Promenade du Portage**, Gatineau, Quebec, pages 15. (www.acdi-cida.gc.ca).
- Corubolo, E. (1998) **Urban Management and Social Justice**, Development Planning Unit, University College London.
- Cuthill, M., Fien, J. (2005) 'Capacity Building: Facilitating Citizen Participation in Local Governance', **Australian Journal of Public Administration**, 64 (4), pp. 63-80.
- Dekker, K., Kempen, R. (2004) Urban Governance within the big cities policy. **journal of cilice**, 21, pp. 41-55.

- Devas, N., Grant, U. (2003) Local Government Decision-Making—Citizen Participation and Local Accountability: Some Evidence from Kenya and Uganda, **Public Administration and Development**, 23, pp. 307–316
- Glass, J. J. (2005) Citizen Participation in Planning: The Relationship Between Objectives and Techniques, **Journal of the American Planning Association**, 45 (1), pp. 180-189.
- Habermas, J. (1989) **Citizenship and National Identity: some Reflections on the future of Europe**, in B. S. turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts, London: Routledge.
- Kraas, F., Martins, G. (2008) **Megastädte in Entwicklungsländern. Vulnerabilität, Informalität, Regier- und Steuerbarkeit.** – Geographische Rundschau 60 (11), pp. 4-10.
- Laurian, L. (2004), Public Participation in Environmental Decision Making, **Journal of the American Planning Association**, 70 (1), pp. 53-65.
- Nelson, N. S. Wright (Eds) (1995) **Power and Participatory Development: Theory and Practice.** Intermediate Technology
- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD) (1993) **Development Agency Committee: DAC Orientations on Participatory Development and Good Governance**, Paris.
- Pieterse, E. (2004) Untangling Integration in Urban Development Policy Debates, **Urban Forum**, 15 (1), pp. 26- 27
- Pattison, G. (2001), The Role of Participants in Producing Regional Planning Guidance in England, **Planning Practice & Research**, 16 (3/4), pp. 349-360.
- Rakodi, C. (2003) Politics and Performance: The Implication of Emerging Governance Arrangement for Urban Management for Urban Management Approaches and Information Systems, **Habitat International**, 27, pp. 523-54.
- Steiner, S. (2005) **Decentralization and Poverty Reduction: A Conceptual Framework for the Economic Impact.** Working Papers: Global and Area Studied No. 3. Hamburg: German Overseas Institute. [Online] Available at <http://www.gigahamburg>.
- Stoker, G. (2004) **Transforming Local Governance**, Palgrave Macmillan, Basingstoke.
- UNDP (2010) **Governance for Sustainable Livelihood: Operational Issues**, United Nations Development Programmed (UNDP), Sustainable Livelihood Unit.
- UNESCAPE (2004) **United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific:** <http://www.unescape.org/huset/99/governance.htm>.
- United Nations (UN) (2009) **Earth Summit—Agenda 21.** UN, New York, USA.
- United Nations Development Program (UNDP) (2009) **Governance for Sustainable Human Development**, New York, 1997 UNDP policy paper, pages 2-3.
- United Nations Human Settlements Program (UN-Habitat) (2002) **Global Campaign on Urban Governance**, Concept Paper, 2nd Revised Edition February. (URL:<http://www.unhabitat.org/governance>).
- Werna, E. (1995) the Management of Urban Development or the Development of Urban Management? Problems and Premises of an Elusive Concept, **Cities**, 12 (5), pp. 30-47
- Wiseman, J. (2005) designing Public Policy after Neo-liberalism in P. Smyth, T. Reddel, and A. Jones (eds), **Community and Local Governance in Australia**, UNSW Press, Sydney.
- Ziai, A (2003) **Governance und Gouvernementalität**, – Nord-Süd aktuell 3, Quartile, www.region3.tehran.ir/Portals/0/Document/mahalat